

نویسنده: پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar» .
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2022-03-11» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جودوی روسی غرب را در هم می پاشد

Russian Judo Tears the West Apart

تحریم های واشنگتن علیه مسکو اروپا را نابود می کند نه
روسیه را



درلست سیاه رسمی کشورهای که روسیه را بعنوان دشمن خود تحریم کرده اند عبارت اند از « ایالات متحده ؛ اتحادیه اروپا ؛ کانادا ؛ ودرآسیا ؛ جاپان ؛ کره جنوبی ؛ تایوان و سنگا پور » تنها کشور آسیای جنوبی « . توجه کنید که چگونه «جامعه بین المللی» همچنان در حال کوچک شدن است .

بخش جنوب جهانی باید بداند که هیچ کشوری از غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا به تحریم های واشنگتن نپیوسته اند یعنی نه خواسته اند که علیه روسیه به تحریم بپردازند .

مسکو حتی بسته ضد تحریمی خود را اعلام نکرده است یا این حال، یک فرمان رسمی «در مورد دستور موقت تعهدات به برخی طلبکاران خارجی»، که به شرکت های روسی اجازه می دهد بدهی های خود را به روبل تسویه کنند، اشاره ای به آنچه در آینده خواهد داشت، ارائه می کند .

اقدامات متقابل روسیه همه حول «چرخانیدن» محور فرمان جدید ریاست جمهوری است که شنبه گذشته امضا شد و **یوگنی یوشچوک**، اقتصاددان، آن را «مین زمینی تلافی جویانه هسته ای» تعریف می کند.

این کار به این صورت است: برای پرداخت وام های دریافت شده از یک کشور تحریم کننده بیش از 10 میلیون روبل در ماه، یک شرکت روسی مجبور به انتقال نیست آنها از یک بانک روسی می خواهند که یک حساب خبرنگار به روبل به نام طلبکار باز کند. سپس شرکت روبل ها را با نرخ ارز فعلی به این حساب منتقل می کند و همه اینها کاملاً قانونی است.

پرداخت های ارزی فقط به صورت موردی از طریق بانک مرکزی انجام می شود. آنها باید از کمیسیون دولتی کنترل سرمایه گذاری خارجی مجوز ویژه دریافت کنند.

این در عمل به این معنی است که بخش عمده ای از حدود (478) میلیارد دلار بدهی خارجی روسیه ممکن است از ترازنامه بانک های غربی «ناپدید» شود. معادل روبل در جایی، در بانک های روسیه سپرده می شود، اما بانک های غربی، آنطور که اوضاع پیش می آید، نمی توانند به آن دسترسی داشته باشند.

قابل بحث است که آیا این استراتژی سرراست محصول آن مغزهای غیر حاکمیتی بود که در بانک مرکزی روسیه جمع شده بودند. به احتمال زیاد، **سرگئی گلزیف**، اقتصاددان بانفوذ، همچنین مشاور ارشد سابق ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در مورد ادغام منطقه ای، نظر داده شده است: در اینجا یک نسخه اصلاح شده به زبان انگلیسی از مقاله پیشگامانه او تحریم ها و حاکمیت است، که قبلاً آن را خلاصه کرده ام.

در همین حال، Sberbank تأیید کرد که کارت های بدهی/اعتباری Mir روسیه را با نشان مشترک UnionPay **چین** صادر خواهد کرد. آلفا بانک بزرگترین بانک خصوصی روسیه - کارت های اعتباری و نقدی UnionPay را نیز صادر خواهد کرد. اگرچه تنها پنج سال پیش معرفی شد، اما 40 درصد از روس ها در حال حاضر یک **کارت میر** برای استفاده داخلی شان دارند. اکنون آنها همچنین می توانند از طریق شبکه عظیم UnionPay از آن در سطح بین المللی استفاده کنند. بدون ویزا و مسترکارت، کمیسیون تمام معاملات در حوزه **روسیه و چین** باقی خواهد ماند یعنی دلارزدایی در عمل.

اقای مادورو، کمی روغن (تیل) بدهید.

مذاکرات تحریم های ایران در وین ممکن است به آخرین مرحله برسد - همانطور که حتی وانگ کون، دیپلمات چینی نیز اذعان داشت. اما این **سرگئی لاوروف**، وزیر امور خارجه روسیه بود که یک متغیر جدید و حیاتی را وارد مذاکرات نهایی **وین** کرد.

لاوروف خواسته ساعت یازدهم خود را کاملاً صریح بیان کرد: «ما ضمانت نامه کتبی خواسته ایم... که روند فعلی [تحریم های روسیه] که توسط ایالات متحده آغاز شده است به هیچ وجه به حق ما برای همکاری آزاد و کامل تجاری، اقتصادی و سرمایه گذاری لطمه ای وارد نمی کند. و همکاری نظامی-فنی با جمهوری اسلامی.

«بر اساس توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال 2015، روسیه اورانیوم

غنی شده را از ایران دریافت می‌کند و آن را با کیک زرد مبادله می‌کند و به موازات آن، نیروگاه هسته‌ای **فردو** ایران را به مرکز تحقیقاتی تبدیل می‌کند بدون صادرات اورانیوم غنی شده ایران، توافق برجام وجود ندارد. به نظر می‌رسد که **بلیکن** وزیر امور خارجه ایالات متحده این را درک نمی‌کند، که ذهن را درگیر می‌کند.

همه در **وین**، از جمله حوashi، می‌دانند که برای امضای همه بازیگران احیای **برجام**، هیچ کشوری نباید به طور فردی از نظر تجارت با ایران هدف قرار گیرد. تهران هم می‌داند.

بنابراین آنچه اکنون در حال رخ دادن است، بازی مفصلی از آینه‌های ایرانی است که بین دیپلماسی روسیه و ایران هماهنگ شده است. **لوان جاگاریان**، سفیر مسکو در تهران، واکنش تند به لاوروف در برخی از محافل ایرانی را ناشی از "سوء تفاهم" دانست. همه اینها در سایه اجرا خواهد شد.

یک عنصر اضافی این است که به گفته یک منبع اطلاعاتی خلیج فارس با دسترسی ممتاز ایران، تهران ممکن است در حال حاضر حدود سه میلیون بشکه نفت در روز بفروشد، «بنا بر این اگر آنها توافقی را امضا کنند، هیچ تأثیری بر عرضه نخواهد داشت، فقط حقوق بیشتری به آنها پرداخت خواهد شد.»

دولت آمریکا، رئیس‌جمهور «**جو بایدن**»، اکنون کاملاً مستأصل است: امروز تمام واردات نفت و گاز از روسیه را که اتفاقاً دومین صادرکننده بزرگ نفت به ایالات متحده است، پس از کانادا و بالاتر از مکزیک، ممنوع کرد. «استراتژی جایگزینی انرژی» بزرگ ایالات متحده آمریکا با روسیه، درخواست نفت از ایران و ونزوئلا است. بنابراین، کاخ سفید هیئتی را برای گفتگو با **نیکلاس مادورو**، رئیس‌جمهور ونزوئلا به رهبری **خوان گونزالس**، مشاور ارشد کاخ سفید در آمریکای لاتین فرستاد. پیشنهاد آمریکا «کاهش» تحریم‌های **کاراکاس** در ازای نفت است.

دولت ایالات متحده سال‌ها - اگر نگوییم دهه‌ها - تمام پل‌های ارتباطی با ونزوئلا و ایران را به آتش کشیده است. **USG** عراق و لیبی را ویران کرد و ونزوئلا و ایران را در تلاش برای تسلط بر بازارهای جهانی نفت منزوی کرد - فقط برای اینکه در نهایت تلاش بدبختانه‌ای برای خرید هر دو و فرار از سرکوب شدن توسط نیروهای اقتصادی که آزاد کرده بود، داشته باشد. این یک بار دیگر ثابت می‌کند که «سیاست گذاران» امپراتوری کاملاً بی‌خبر هستند. **کاراکاس** خواستار لغو تمامی تحریم‌ها علیه ونزوئلا و بازگرداندن تمام طلاهای مصادره شده آن خواهد شد. و به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از اینها با "رئیس‌جمهور" **خوان گوایدو**، که از سال 2019، تنها رهبر ونزوئلا بود که توسط واشنگتن "به رسمیت شناخته شد" پاک نشد.

انسجام اجتماعی از هم پاشیده شده است

در همین حال، بازارهای نفت و گاز در وحشت کامل هستند. هیچ تاجر غربی مایل به

خرید گاز روسیه نیست. و این هیچ ربطی به غول انرژی دولتی روسیه **گازپروم** ندارد، که همچنان به مشتریانی که قراردادهایی را با تعرفه های ثابت از (100 تا 300) دلار امضا کرده اند، عرضه می کند (بقیه بیش از (3000) دلار در بازار نقدی پرداخت می کنند).

بانک های اروپایی به دلیل هیستری تحریم ها کمتر و کمتر ما یل به اعطای وام برای تجارت انرژی با روسیه هستند. یک اشاره قوی مبنی بر اینکه خط لوله گاز روسیه به آلمان، **نورد استریم 2** ممکن است به معنای واقعی کلمه شش فوت زیر باشد، این است که واردکننده **Wintershall-Dea** سهم خود از تامین مالی را با فرض اینکه خط لوله راه اندازی نخواهد شد، لغو کرد.

همه افراد دارای مغز متفکر در آلمان میدانند که دویپایانه گاز طبیعی مایع (LNG) اضافی - که هنوز ساخته می شود - برای نیازهای پرلین کافی نخواهد بود. به سادگی LNG کافی برای تامین آنها وجود ندارد. اروپا باید با آسیا بجنگد که چه کسی می تواند بیشتر بپردازد. آسیا پیروز می شود. اروپا سالانه تقریباً «400» میلیارد متر مکعب گاز وارد می کند که روسیه مسئول «200» میلیارد متر مکعب از این مقدار است. اروپا به هیچ وجه نمی تواند (200) میلیارد دلار در جای دیگری برای جایگزینی روسیه پیدا کند - چه در الجزایر، چه قطر یا ترکمنستان. ناگفته نماند کمبود پایانه های LNG ضروری آن.

بنابراین بدیهی است که بیشترین ذینفع از این همه آشفتگی، ایالات متحده خواهد بود - که قادر خواهد بود نه تنها پایانه ها و سیستم های کنترلی خود را تحمیل کند، بلکه می تواند از وام به اتحادیه اروپا، فروش تجهیزات و دسترسی کامل به کل زیرساخت انرژی اتحادیه اروپا نیز سود ببرد. تمام تاسیسات، خطوط لوله و انبارهای LNG به یک شبکه تنها با یک اتاق کنترل متصل خواهند شد: **رویای تجاری آمریکایی**.

اروپا برای صنعت - رو به کاهش - خود با کاهش تولید گاز مواجه خواهد شد. از دست دادن شغل؛ کاهش استانداردهای کیفیت زندگی؛ افزایش فشار بر سیستم تامین اجتماعی؛ و آخرین اما نه کم اهمیت، لزوم درخواست برای وام های اضافی آمریکایی. برخی از کشورها برای گرم کردن به زغال سنگ باز خواهند گشت. رژه سبز پر شور خواهد بود. روسیه چطور؟ به عنوان یک فرضیه، حتی اگر تمام صادرات انرژی آن محدود شود - و اینطور نخواهد شد، مشتریان اصلی آنها در آسیا هستند - روسیه مجبور نخواهد بود از ذخایر خارجی خود استفاده کند.

حمله همه جانبه **روسوفوبیک** به صادرات روسیه، فلزات **پالادیوم** را نیز هدف قرار می دهد - که برای وسایل الکترونیکی حیاتی است، از **لپ تاپ گرفته تا سیستم های هواپیما**. قیمت ها سر به فلک می کشد. روسیه 50 درصد بازار جهانی را در اختیار دارد. سپس گازهای نجیب - نئون، هلیوم، آرگون، زنون - برای تولید ریزتراشه ها ضروری هستند. قیمت **تیتانیوم** یک چهارم افزایش یافته است و هر دو **بونینگ** - یک سوم - و **ایریاس** - دو سوم - به تیتانیوم روسیه متکی هستند. نفت، غذا، کودها، فلزات استراتژیک، گاز

نئون برای نیمه هادی ها: همه در آتش، در پای جادوگر روسیه می سوزند .
برخی از غربی ها که هنوز سیاست واقعی بیسمارکی را ارزشمند می دانند، شروع به
این فکر کرده اند که آیا محافظت از انرژی (در مورد اروپا) و جریان های کالاهای
انتخابی ناشی از تحریم ها ممکن است همه چیز با حفاظت از یک راکت عظیم: سیستم
مشقات کالایی مرتبط باشد. به هر حال، اگر این امر منفجر شود، به دلیل کمبود کالا، کل
سیستم مالی غرب منفجر می شود. اکنون این یک شکست واقعی سیستم است .
مسئله کلیدی برای هضم جنوب جهانی این است که "غرب" خودکشی نمی کند. چیزی
که ما در اینجا داریم، اساساً، این است که ایالات متحده عمده صنعت آلمان و اقتصاد
اروپا را نابود می کند - به طرز عجیبی، البته با همدستی آنها.

نابودی اقتصاد اروپا به معنای اجازه ندادن فضای بازار اضافی به چین و مسدود کردن
تجارت اضافی اجتناب ناپذیر است که پیامد مستقیم مبادلات نزدیک تر بین اتحادیه اروپا و
مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای (RCEP)، بزرگترین معامله تجاری جهان خواهد بود .
نتیجه نهایی این خواهد بود که ایالات متحده پس انداز اروپایی را برای ناهار می خورد
در حالی که چین طبقه متوسط خود را به بیش از 500 میلیون نفر افزایش می دهد .
همانطور که گلاریف بیان می کند روسیه به خوبی عمل خواهد کرد: مستقل و خودکفا .
مایکل هادسون، اقتصاددان آمریکایی، خطوط اولیه خود باختگی امپریالیستی را به
اختصار ترسیم کرده است. با این حال، به عنوان یک فاجعه استراتژیک، بسیار چشمگیرتر
این است که چگونه ناشنویان، لال ها و کورها به سمت رکود عمیق و تورم نزدیک به ابر
تورم، آنچه را که از انسجام اجتماعی غرب باقی مانده است، که ما موریت انجام شده
از هم خواهد پاشید . .

----- **با تقدیم احترامات** «2022-03-16»